افشای راز قتل پس از رهایی از زندان

■ غلامرضا مسکنی

مرد جوانی که هفت سال قبل به‌خاطر مشکلات مالی به زندان افتاده بود پس از آزادی، راز قتل مرد تاجری را برملا کرد که به دفتر کارچاق‌کنی در شمال تهران رفت و آمد داشته بود.

چند روز قبل مرد جوانی به دادسرای امور جنایی تهران رفت و راز قتل مرد تاجری را برملا کرد.

وی در ادعایی گفت: «سال ۸۹ از طریق یکی از دوستانم با مرد جوانی به نام پیمان آشنا شدم که دفتری در یکی از خیابان‌های شمالی تهران داشت. پیمان و همکارانش کارهای غیرقانونی انجام می‌دادند. افرادی که به این دفتر معرفی می‌شدند معمولاً یا چک‌های بلامحل داشتند یا پول‌هایشان در کشورهای دیگر بلوکه شده بود. آنها برای وصول چک‌های برگشتی و پول‌های بلوکه شده با افراد قرارداد می‌بستند و معمولاً ۴۰ درصد از پول‌ها را به عنوان دستمزد برمی‌داشتند. من به خاطر اختلاف و مشکلات مالی که داشتم به دفتر پیمان رفت و آمد داشتم تا اینکه یکی از روزها متوجه مرد تاجری شدم که برای حل مشکلش به این دفتر معرفی شده بود، آنطور که از صحبت‌های آنها متوجه شدم مرد تاجر با مشکلات مالی زیادی دست و پنجه نرم می‌کرد و می‌گفت ۱۰۰ میلیون دلار از سرمایه‌اش در کشور انگلستان بلوکه شده است. او می‌خواست پیمان و همکارانش پول‌های بلوکه شده‌اش را آزاد کنند، از این‌رو با آنها قرارداد امضا کرد و قرار شد ۴۰ درصد از پول‌های بلوکه شده را پس از آزاد کردن به عنوان دستمزد برای خودشان بردارند.»

■ **۱۴ سال بعد**

وی ادامه داد: «من به آن دفتر رفت و آمد داشتم و در این مدت هم چندین بار مرد تاجر را دیده بودم. مشکل من حل نشد و پیمان و دوستانش هم کاری برایم انجام ندادند و به‌خاطر بدهی که داشتم، فراری شدم. من درگیر مشکلات مالی‌ام شدم و به‌خاطر اینکه تحت تعقیب شاکیانم بودم، رفت و آمدم به آن دفتر قطع شد تا اینکه چند سال بعد دستگیر شدم و به زندان افتادم. هفت سال در زندان بودم و در نهایت با تلاش خانواده‌ام بدهی‌ام را پرداخت کردم و سه ماه قبل از زندان آزاد شدم. پس از آزادی از زندان به دنبال کار بودم و تلاش می‌کردم از دوستان و بستگانم پولی قرض بگیرم و برای خودم کاری دست و پا کنم، اما موفق نشدم. چند روز قبل به یاد پیمان و دوستانش افتادم و با خودم گفتم به دفتر او بروم شاید کمکم کند.»

■ **قتل**

مرد جوان در پایان گفت: «وقتی به دفتر کارش رفتم، متوجه شدم پیمان دفترش را مدت‌ها قبل بسته است. پس از کلی جست‌وجو در نهایت او را پیدا کردم و به او گفتم به دنبال کارم و از پیمان کمک خواستم. پیمان به من گفت شب میهمان یکی از دوستانش است و از من هم خواست در میهمانی شرکت کنم تا در آنجا با هم صحبت کنیم. او مرا به بزم شبانه‌شان دعوت کرد و وقتی به خانه دوستش رفتم همه مست بودند. پیمان خیلی مشروب خورده بود و خاطرات زیادی را از قدیم و جدید برایم تعریف کرد. ابتدا از ۱۴ سال قبل با هم صحبت کردیم و گلایه کردم که مشکل مالی مرا حل نکرد و به زندان افتادم. در میان صحبت‌هایمان از مرد تاجری که پول‌هایش در کشور انگلستان بلوکه شده بود، یادی کردیم که پیمان در کمال ناباوری گفت او را به قتل رسانده است. او به من گفت پس از اینکه تمامی پول بلوکه شده مرد تاجر را آزاد کرده، او را به قتل رسانده و تمامی پول‌هایش را بالا کشیده است. پیمان حادثه را موبه‌مو برای من توضیح داد و حتی گفت جسد را پس از قتل در بیابان‌های اطراف جاده قم رها کرده است. وقتی صحبت‌هایش را شنیدم، خیلی ترسیدم و به خودم قول دادم دیگر پیش او نروم، چون احتمال دادم مرا هم بکشد. از طرفی عذاب‌وجدان به سراغم آمد و تصمیم گرفتم به دادسرا بیایم و راز قتل مرد تاجر را برملا کنم.»

با طرح این ادعا، پرونده به دستور قاضی محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای امور جنایی تهران برای بررسی در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت. مأموران در تلاشند با اطلاعاتی که مرد جوان به پلیس داده و بررسی پرونده افراد گمشده خانواده مرد تاجر را شناسایی و صحت و سقم این ادعا را آشکار کنند. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

زخم جاده‌ها با تسلای مسئولان التیام نمی‌یابد

■ حسین فصیحی

شش کشته در جریان واژگونی اتوبوس حامل دانش‌آموزان در کرمان، ادامه بی‌تفاوتی به پیشگیری از بروز سوانح رانندگی مرگباری است که هر لحظه در جریان است؛ اتفاق‌هایی که با شدت و آسیب‌های بیشتری رقم می‌خورد و هشدارهای داده شده نمی‌تواند منجر به توقف این حوادث شود.

ساعت ۱۸:۵۰ روز پنج‌شنبه، وقتی مأموران پلیس راه و امدادگران از بروز سانحه رانندگی برای اتوبوس حامل دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم مدرسه فرزانگان کرمان با خبر شدند و خود را به محل رساندند، معلوم شد این اتوبوس در مسیر برگشت از اردوی تفریحی شهداد به کرمان بود که بعد از انحراف از مسیر اصلی وارد لاین مخالف شده و در حاشیه مسیر واژگون شده‌است. بعد از ایمن‌سازی محل، امدادگران پیکر بی‌جان چهار دانش‌آموز، یک خانم مربی و کودک ۹ ساله‌اش را که همگی به دلیل شدت جراحت در دم فوت شده‌بودند، از میان پاره‌های آهن خارج کردند. آنها همچنین ۳۵ نفر از دیگر سرنشینان شامل دانش‌آموزان، مربیان و راننده اتوبوس که دچار جراحت شده‌بودند، به مراکز درمانی منتقل کردند.

■ **واکنش‌ها**

در واکنش به حادثه روی‌داده، دادستان کرمان گزارش داد دستورهای لازم برای برخورد با ترک‌فعل‌های صورت گرفته صادر شده‌است. دادستان کرمان همچنین از صدور فرمان بازداشت راننده اتوبوس و تحت تعقیب قرار دادن مدیر مدرسه خبر داده و تأکید کرده‌است موضوع فرسوده بودن اتوبوس حال بررسی است و در صورت اثبات فرسوده بودن و نقش آن در بروز حادثه، با شرکت حمل و نقل مورد نظر هم برخورد قانونی خواهد شد. رئیس‌جمهور، وزیر آموزش و پرورش و رئیس مجلس هم از وقوع حادثه ابراز تأثر کرده‌اند، از جمله اینکه رئیس مجلس کمیسیون عمران را مأمور رسیدگی به حادثه و اعلام گزارش به مجلس کرده‌است.

■ **بی‌حسی به نگرانی‌ها**

ابراز تأثر سیاستمداران از وقوع اتفاق‌هایی که مرگ جمعی شهروندان را رقم می‌زند برای همگرایی با بازماندگان اتفاق‌ها صورت می‌گیرد، با این حال تکرار حوادث مرگبار نشان می‌دهد این تأثرها راه به جایی نمی‌برد. همه بازماندگان این حوادث اعلام می‌کنند درست است که عزیزان‌شان را از دست داده‌اند، اما ساختار قانونی باید مانع تکرار این اتفاق‌ها شود. تقویم حوادث کشور سرشار از سوانح مرگباری است که گزارش‌های نهایی آن روی میز کارگزاران سیاسی قرار می‌گیرد، با این حال وقتی رویدادهای متأثرکننده با شدت کمتر یا بیشتری اتفاق می‌افتد، روشن می‌شود در پس فرمان‌های صادر شده اراده‌ای عملی برای تغییر رویه حاکم صورت نمی‌گیرد. روشن است اقبال دولت و مجلس به سانحه مورد نظر هم به دلیل جان باختن دانش‌آموزان است وگرنه هر روز اتفاق‌های هولناک‌تری در جاده‌های کشور اتفاق می‌افتد و دولت و مجلس هم به آن واکنش نشان نمی‌دهند، از جمله تصادف‌های آتشینی که خودروهای شوتی خصوصاً خودروهای حامل سوخت قاچاق در جاده‌های کشور به راه انداخته‌اند و سبب شده‌است در جریان این سوانح سرنشینان خودروها در آتش‌سوزی‌های ایجاد شده جزغاله شوند.

■ **کنترل و نظارت سختگیرانه**

روشن است در مورد حادثه روی‌داده برای اتوبوس حامل دانش‌آموزان هم سازوکارهای پیشگیرانه صورت نگرفته است. سازوکارهای پیشگیرانه اینکه دولت و مجلس باید قوانین سخت برای تأمین سلامت اردوها برقرار کنند نه اینکه منتظر بمانند تا سانحه‌رانندگی روان جامعه را پریشان کند. از جمله نظارت دولت و مجلس اینکه اتوبوس مورد نظر فاقد هر گونه نقص فنی باشد. راننده از پای بساط منقل مشغول رانندگی نشود و از سلامت جسم و روان برای رانندگی برخوردار باشد و مسیری را که قرار است در آن رانندگی کند، به خوبی بشناسد. بدیهی است به دلیل بروز سوانح مشابه خانواده‌ها ترجیح‌شان این باشد فرزندانشان به اردو نروند تا اینکه تن‌شان از رفتن تا بازگشت آنها به اردوها بلرزد.

■ **بی‌تفاوتی آمار به عملکرد مسئولان**

آن‌گونه که پلیس گزارش می‌دهد روزانه به‌طور میانگین ۴۵ تا ۵۰ نفر از مردم در جریان سانحه رانندگی جان خود را از دست می‌دهند و هزار نفر هم مجروح می‌شوند که از این تعداد ۱۰۰ نفر دچار معلولیت و بالغ بر ۲۰۰ خانواده دچار کاهش شدید درآمد و حتی فقر می‌شوند. روشن است. آن‌گونه که بارها اعلام شده براساس گزارش سازمان پزشکی قانونی کشور سال گذشته ۲۰ هزار و ۴۵ نفر در سانحه رانندگی جان خود را از دست دادند. رجوع به دلایل این اتفاق‌ها نشان می‌دهد علاوه بر عامل انسانی، مردم قربانی خودروهای بی‌کیفیت و زیرساخت‌های نامناسب جاده‌ای هستند. گزارش پلیس روشن کرده‌است ۳۲ سازمان و نهاد در جلوگیری از حوادث رانندگی مسئولیت دارند و در این میان وظیفه پلیس تنها رسیدگی به تصادفات و برقراری نظم ترافیکی در ۲۹۳ هزار کیلومتر از راه‌های کشور است. کارخانه‌های تولید ارابه‌های مرگ یکی از کانون‌های مهم تولید آسیب در کشور است که زیر نگاه مجلس، دولت و عدلیه تولیدات مرگبارش را راهی جاده‌ها می‌کند، بنابراین ساختارهای قانونی کشور به جای اینکه همواره در نقش تسلی‌دهنده قربانیان اتفاق‌های ناگوار و افکار عمومی ظاهر شوند، بهتر است مونتاژکاران را ملزم به تولید محصولات باکفایت کنند و مدیران و خانواده‌های‌شان آن را هم ملزم به استفاده از همان تولیدات کنند.

بدیهی است سوانح رانندگی در همه جوامع جریان دارد و این اتفاق می‌توانست هر جای دیگری رقم بخورد، اما نمی‌شود جایی پیدا کرد که چنین حمل و نقل فرسوده و فشلی داشته‌باشد و خودروهای تازه تولیدش امنیت خودروهای چهار دهه قبل را هم ندارد و ساختار قانونی‌اش هم توانی برای مقابله با تخلف‌های صورت گرفته، ندارد، بنابراین جایی که در آن مفسده قانونی می‌شود هر غم با غم دیگری تازه‌تر می‌شود. مفسده یعنی اینکه قانون پلیس را ملزم کرده‌است هر محصولی تأییدیه سازمان استاندارد و محیط‌زیست را داشت، شماره‌گذاری کند، بنابراین با داشتن تأییدیه، خون مردم را در شیشه کنند.

پرونده آنیلا خارج از نوبت رسیدگی می‌شود

دادگستری کردستان اعلام کرد پرونده دختربچه ۹ساله اهل شهرستان سنندج که به دست نامادری‌اش شکنجه شده خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

چندی قبل عکس دختربچه‌ای خردسال به نام آنیلا در حالی که آثار کبودی زیادی روی صورت او مشخص بود، در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد. بررسی‌ها حکایت از این داشت آنیلا اهل محله‌ای فقرنشین در شهرستان سنندج به نام محله عباس‌آباد است که مدتی است به دست نامادری‌اش شکنجه می‌شود. مادر آنیلا مدتی قبل فوت شده و پدرش با زن دیگری ازدواج کرده‌بود که این زن آنیلا را هدف شکنجه‌های روحی و جسمی قرار می‌داد. آنیلا برادر بزرگ‌تری هم داشت که قادر نبود از خواهرش مراقبت کند، با این حال او ماجرا را به معلمان مدرسه هم گزارش می‌کند. تحقیقات بعدی نشان داد نامادری یک‌بار طفل را در حمام شکنجه و با گوشت‌کوب به صورت و بدنش ضرباتی وارد کرده‌بود که پدر و برادر آنیلا از راه می‌رسند و طفل را از دست او نجات می‌دهند. وقتی آنیلا به مرکز درمانی منتقل می‌شود، کارکنان بیمارستان به ماجرا مظنون می‌شوند و ماجرا را به اورژانس اجتماعی خبر می‌دهند. با ورود اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی گزارش کودک‌آزاری را به دادستانی اعلام می‌کند و پرونده در شعبه هفتم دادستانی تشکیل و طفل به پزشکی قانونی معرفی می‌شود. سازمان بهزیستی هم گزارش داده‌است در صورتی که پدر طفل نتواند امنیت فرزندش را تأمین کند، این کودک تحت پوشش و مراقبت بهزیستی قرار می‌گیرد.

سیدحسین حسینی، رئیس کل دادگستری کردستان هم اعلام کرد که این پرونده به صورت فوق‌العاده و خارج از نوبت رسیدگی می‌شود. وی ادامه داد: این پرونده پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی و صدور کیفرخواست به محض وصول به محاکم، رسیدگی خواهد شد.

کلید سرقت از خانه مردان هوسران در دست زن اینستاگرامی

■ آرمین بینا

زن سارق بعد از دوستی اینستاگرامی با مردان در قرار ملاقات‌های خصوصی کلید خانه‌شان را سرقت و در فرصت مناسب اموالشان را سرقت می‌کرد.

اوایل تیرماه امسال، گزارش چند سرقت به مأموران پلیس تهران رسید که سارقانی به خانه‌های ویلایی و آپارتمان‌های مسکونی دستبرد می‌زنند.

بررسی‌ها حکایت از آن داشت سارقان حرفه‌ای هستند و در تمامی سرقت‌ها ردپایی از خود به‌جا نمی‌گذارند.

■ **کلید یدک**

یکی از شاکیان گفت: «خانه‌ام در یکی از خیابان‌های شمالی تهران است و چند روز قبل همراه خانواده‌ام به مسافرت رفتم. ساعتی قبل وقتی به خانه برگشتیم، متوجه شدیم سارقانی به خانه‌مان دستبرد زده و پول، طلاها و اموال قیمتی ما را سرقت کرده‌اند.»

مأموران پلیس در ادامه با شکایت‌های مشابه دیگری هم روبه‌رو شدند که سارقان از خانه آنها سرقت کرده بودند. نکته جالب تمامی سرقت‌ها، این بود که در هیچ یک از آپارتمان‌های مسکونی و خانه‌های ویلایی تخریب نشده بود و معلوم بود سارقان با کلید یدک وارد خانه شده و دست به سرقت‌های میلیاردی زده‌اند. همچنین مشخص سارقان حرفه‌ای هستند و پس از ورود به ساختمان‌های مسکونی ابتدا دوربین‌های مداربسته محل را قطع کرده و حتی فیلم‌های ضبط شده را هم با خودشان برده‌اند تا ردی از خود به‌جا نگذارند.

■ **ردپای یک زن**

در حالی که تحقیقات برای شناسایی باند سارقان ادامه داشت، مأموران در بررسی دوربین‌های مداربسته اطراف یکی از محل‌های سرقت به ردپای زن جوانی رسیدند.

در بررسی دوربین مداربسته مغازه‌ای که با محل سرقت یک کوچه فاصله داشت، مأموران متوجه شدند زن جوانی از خودروی پژو پیاده شده و پس از زدن ماسک با کلیدی در خانه را باز کرده و وارد خانه محل سرقت شده است. در بررسی‌های بعدی هم مشخص شد پس از این سه مرد نقابدار هم وارد خانه می‌شوند و ساعتی بعد با کوله‌ای پر از اموال سرقتی از آنجا خارج می‌شوند.

هویت زن جوان و همدستانش به‌خاطر نقابی که داشتند شناسایی نشد، اما مأموران پلاک خودروی سواری را به دست آوردند و مالک آن را بازداشت کردند.

مرد جوان در بازجویی اظهار بی‌گناهی کرد و مدعی شد راننده تاکسی اینترنتی است و زن جوان به نام رؤیا هم از مسافران همیشگی اوست و هر چند روز یک‌بار با او برای رفتن به مقصدی تماس می‌گیرد و او هم رؤیا را به مقصد می‌رساند.

■ **بازداشت اعضای باند**

با اطلاعاتی که راننده تاکسی اینترنتی در اختیار مأموران قرار داد، هویت زن جوان شناسایی و مأموران وی را بازداشت کردند.

متهم در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی با همدستی سه مرد جوان اعتراف کرد و مأموران هم همدستان او را بازداشت کردند. متهمان پس از اعتراف به جرمشان به دستور بازپرس دادسرا برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

■ **طعمه**

رؤیا، سردسته باند سارقان منازل تهران در بازجویی‌ها مدعی شد خودش را طعمه افراد پولدار قرار می‌داده و سپس اقدام به سرقت اموال آنها می‌کرده است.

رؤیا سابقه داری؟

بله، چندتایی دارم.

چه سابقه‌ای؟

قبلاً سرقت می‌کردم. معمولاً در مراکز تجاری و اتوبوس‌های شرکت واحد جیب‌بری می‌کردم.

چه شد که وارد باند سارقان منزل شدی؟

چند ماه قبل جشن تولد یکی از دوستانم دعوت بودم. افراد زیادی در جشن تولد شرکت داشتند و اکثر آنها هم خلافکار بودند. در آن میهمانی با سه مرد جوان که سارق حرفه‌ای بودند، آشنا شدم. آنها سارق خانه و به تازگی از زندان آزاد شده بودند و می‌خواستند باند سرقت تشکیل بدهند که من پیشنهاد دادم با من کار کنند. وقتی نقشه‌ام را برای آنها توضیح دادم، قبول کردند.

چه نقشه‌ای؟

یکی از مشکلات این بود که آنها دقیق نمی‌دانستند در فلان خانه چقدر اموال قیمتی یا پول و طلاست و از طرفی هم باز کردن در خانه و تجهیزات ایمنی خانه‌ها کار را سخت می‌کرد. من هم پیشنهاد دادم کلید حل این مشکلات دست من است و تصمیم گرفتم با طعمه قرار دادن خودم، کار را برای آنها ساده کنم.

چطوری؟

معمولاً در اینستاگرام با افراد پولدار آشنا می‌شدم و ادعا می‌کردم مثلاً متخصص دکوراسیون خانه هستم یا فلان شرکت را دارم و تنها زندگی می‌کنم. به‌هرحال با آنها طرح دوستی می‌ریختم و به بهانه‌ای به خانه‌شان می‌رفتم و در فرصت مناسب کلید خانه را برمی‌داشتم و از روی آن یدک می‌ساختم. از طرفی هم محل نگهداری پول و طلا یا اموال قیمتی مثل فرش و تابلوفرش‌های نفیس را شناسایی می‌کردم.

چطوری سرقت می‌کردید؟

پس از اینکه کلید خانه را به دست می‌آوردم به دنبال فرصتی بودم تا آن خانواده به میهمانی یا مسافرت بروند و بعد با همدستی سه عضو دیگر باند اقدام به سرقت می‌کردیم. من با کلیدی که داشتم در خانه را باز می‌کردم و سه همدستم هم کلاه و ماسک‌زده وارد خانه می‌شدند؛ اول دوربین‌ها را از کار می‌انداختند و سپس اموال را سرقت می‌کردیم.

راننده خودرو هم با شما همدست بود؟

نه، او راننده تاکسی اینترنتی بود و من مدتی قبل او را فریب دادم و از او استفاده می‌کردم. معمولاً به او می‌گفتم مثلاً خانه دوستم دعوتم یا به خانه بستگانم می‌خواهم بروم و او هم بدون اینکه از من کرایه‌ای بگیرد مرا به مقصد می‌رساند. البته من یکی، دو کوچه مانده به محل سرقت از خودروی او پیاده می‌شدم تا ردی از خودم به‌جا نگذارم.

جان‌باختن ۲ مسافر اتوبوس در واژگونی خودرو

واژگونی اتوبوس مسافربری در محور دلیجان به میمه، دو کشته و ۲۵ مجروح برجای گذاشت.

محسن مؤمنی، مدیرعامل هلال احمر استان اصفهان گفت که حادثه واژگونی اتوبوس مسافربری ساعت ۱۰: ۱۰ روز گذشته در کیلومتر ۲۰ محور دلیجان به میمه، بعد از منطقه هستیجان اتفاق افتاد و امدادگران در محل حاضر شدند. بررسی‌های بعدی نشان داد دو نفر از مسافران به دلیل شدت جراحت فوت شده‌اند و ۲۲ نفر که دچار جراحت شده بودند به مراکز درمانی منتقل شدند. سه نفر از مسافران هم به صورت سرپایی خدمات درمانی دریافت کردند. علت حادثه در دست بررسی است.

۵ کشته در تصادف تریلی با پراید

تصادف تریلی با سواری پراید در محور کازرون به بوشهر پنج کشته و یک زخمی برجای گذاشت.

ساعت ۲۳:۴۰ پنج‌شنبه، مأموران پلیس و امدادگران از حادثه رانندگی در محور کازرون به بوشهر در محدوده کنارتخته باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد سانحه بین خودروی سواری پراید با تریلی رقم خورده است که در جریان آن، پنج سرنشین پراید در دم جان باخته‌اند و راننده تریلی هم که زخمی شده بود، به بیمارستان اعزام شد. علت حادثه در دست بررسی است.

مرگ موتورسوار در تصادف شامگاهی

راکب موتورسیکلت در تصادف شامگاهی با خودروی سواری در بزرگراه تندگویان جان باخت.

سرهنگ علی اصغر شریفی، رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور تهران گفت: ساعت ۲۳:۵۰ شامگاه پنج‌شنبه ۱۸ بهمن ماه مأموران پلیس از حادثه رانندگی در شمال به جنوب بزرگراه تندگویان نرسیده به تره‌بار مرکزی باخبر و در محل حاضر شدند.

بررسی‌ها نشان داد راکب موتورسیکلت که فاقد کلاه ایمنی بود در جریان تصادف با خودروی سواری عبوری جان باخته است. علت حادثه در دست بررسی است.

قاتل خواننده کرمانشاهی دستگیر شد

عامل قتل علی‌فرازمی، از خوانندگان شهرستان کرمانشاه سرانجام بازداشت شد.

صبح روز دوشنبه اول بهمن‌ماه حادثه تیراندازی در محله تعاون شهرستان کرمانشاه اتفاق افتاد. با حضور پلیس در محل حادثه که ساختمان مسکونی بود، جسد مردی جوان کشف شد که مشخص شد از خوانندگان سرشناس شهر است. علی فرازمی ۳۸ ساله با اصابت شش گلوله به نقاط مختلف بدنش به قتل رسیده‌بود و عامل یا عاملان حادثه از محل متواری شده بودند. با حضور بازپرس در محل جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و بررسی‌ها در این‌باره به جریان افتاد. در شاخه دیگری از تحقیقات سرانجام موفق شدند مخفیگاه متهم را شناسایی و دو روز قبل او را دستگیر و در بازرسی از مخفیگاهش دو اسلحه کلاشنیکف و اسلحه کمری کشف کنند. سردار مهدی حاجیان، فرمانده انتظامی استان کرمانشاه گفت که متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرده و تحقیقات درباره انگیزه ارتکاب جرم جریان دارد.

شناسه آگهی: ۱۸۸۰۷۶۰

آگهی اطلاع از عدم افراز پلاک ۲۷۹۲/۱۳۹۴ بخش ۲ اهواز طبق قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب آذر ماه ۱۳۵۷

نظر به اینکه خانم بدریه داور پناه به عنوان احدی از مالکین مشاع نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ باستثناء قیمت یک چهارم عرصه و اعیان سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۲۷۹۲/۱۳۹۴ بخش دو اهواز به طرفیت ۱- ملکه بازدید ۲- طاهره بازدار ۳- ماشااله بازدار ۴- احمد بازدار ۵- حسنعلی بازدار ۶- لیلا صائبی دیگر مالکین مشاع تقاضای افراز سهم مشاعی خود را باستناد قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب آذر ماه ۱۳۵۷ را نموده و با توجه به نامه شماره ۱۴۰۳۰۰۸۵۴۰ - ۱۴۰۳/۰۸/۲۳ شهرداری منطقه یک شهرستان اهواز که اعلام نموده پلاک فوق با توجه به مقررات شهرداری، شرایط افراز و تفکیک را ندارد لذا پس از گزارش موضوع به موجب شماره ۳۷۰۲۰-۱۴۰۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۳۰ در نهایت منجر به تنظیم صورتمجلس عدم افراز به شماره ۱۴۰۳۸۵۶۱۱۷۱۲۳۰۰۶۲۴۰ - ۱۴۰۳/۰۸/۳۰ گردید و نظر رئیس ثبت به شرح بین الهلالین جهت اطلاع مالکین مشاعی آگهی می گردد (((با توجه به اینکه اداره ثبت طبق ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداری ها افراز املاک را پس از تایید شهرداری و طبق نقشه هایی که به تایید شهرداری رسیده اقدام می‌نماید و شهرداری منطقه یک اهواز به موجب نامه شماره ۱۴۰۳۰۰۸۵۴۰ - ۱۴۰۳/۰۸/۲۳ اعلام داشته که پلاک ۲۷۹۲/۱۳۹۴ بخش دو اهواز با توجه به ضوابط شهرداری قابل افراز نمی‌باشد، لذا افراد از ناحیه اداره ثبت محل به علت مخالفت شهرداری مقدور نمی‌باشد))) فلذا مراتب طی این آگهی به دیگر مالکین مشاعی اطلاع تا چنانچه نسبت به رای عدم افراز معترض میباشند ظرف مدت ۱۰ روز پس از تاریخ انتشار خود را به مراجع قضایی تسلیم و رسید دریافت نمایند.